

پژوهش در تاریخ، سال دوازدهم، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

کشت چای در استان های مجاور دریای کاسپین^۱

جی. دی هوپ^۲

ترجمه سید محسن سنجری^۳

چکیده

محمد میرزا کاشف السلطنه در بهار سال ۱۲۸۰ شمسی نخستین باغ چای را در قریه شیخانه ور لاهیجان احداث کرد. در خصوص فعالیت او برای چای کاری و اساساً علت تلاش برای کشت این محصول در ایران به جای اکتا به واردات (با توجه به بیگانه و غیر بومی بودن این گیاه) پژوهش جامعی صورت نگرفته است و اغلب محققان بیش تر به نحوه فراگیری و گسترش مصرف چای در جامعه توجه کرده اند. هر چند کاشف السلطنه در توسعه چای کاری توفیق زیادی نیافت. در این زمینه دلایلی ذکر می شود که عمدتاً بی استناد هستند. از جمله این که افرادی در گیلان حاضر نشدند با او همکاری کنند و در صدد جلوگیری از توسعه کشت چای برآمدند یا دولت انگلستان که منافع خود را با چای کاری در ایران در خطر می دید از طریق عوامل خود مانع او شد. این مقاله که حاصل بازدید یک انگلیسی از مناطق شمالی است آشکارا این دیدگاه ها را نفی می کند. تاریخ دیدار وی از گیلان حدود ۱۰ سال پس از احداث نخستین باغ چای ایران بود. او در حالی عازم این سفر شد که قصدش بازدید از باغات چای در گرجستان کنونی و از کشت چای در ایران بی اطلاع بود. وی در نوشته خود اطلاعات

۱. این مقاله ترجمه ای است از:

The Cultivation Of Tea In The Caspian Provinces Of Persia. The Indian Tea Association Journal. ۱۹۱۴. Hope. G. D
Calcutta. ۱۹۱۴. ۴۹-۴۱.

۲. دکتر هوپ متولد ۱۸۸۰ میلادی در انگلستان و رئیس بخش علمی انجمن چای هند از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۱ بود.

۳. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه زنجان. m.sanjary@znu.ac.ir

جالبی از ویژگی-های جغرافیایی و آب‌وهوای استان‌های شمالی و وضعیت چای‌کاری پیش از شروع جنگ جهانی اول ارائه کرده است که در آن می‌توان به برخی علل عدم گسترش چای‌کاری در این دوره پی برد.

واژگان کلیدی: چای، لاهیجان، ایران، کشاورزی

در ماه ژوئن سال گذشته^۱، از هند به قصد عزیمت به اروپا به باکو در ساحل دریای کاسپین سفر کردم. هدفم از این سفر، بازدید تعدادی از باغ‌های کوچک چای در منطقه قفقاز بود. وقتی به باکو رسیدم؛ کنسولمان به من گفت علاوه بر چند باغ چای که روس‌ها در نزدیکی باتوم^۲ (گرجستان) در کناره دریای کاسپین برپا کرده‌اند؛ در نزدیکی رشت در شمال ایران نیز چند باغ کوچک چای احداث شده است. این شد که به آن جا رفتم و از باغ‌های چای ایران بازدید کردم.

باغ‌ها صاحبانی ایرانی دارند که خودشان عهده‌دار امور باغ هستند. چای‌کاری در این جا ناشی از تلاشی است که حدود ۱۰ سال قبل یک شاهزاده ایرانی به نام کاشف‌السلطنه به خرج داد. او مقداری دانه چای را از هند به ایران آورد و فردی را که چندین سال در چین و هند صرف تحقیق پیرامون چای کرده بود استخدام کرد تا راه و رسم چای‌کاری را به روستائیان ایرانی بیاموزد. البته این فرد چند سال قبل در نزدیکی رشت درگذشت.

من شخصا نمی‌توانم در مورد درستی این شرح مختصر نظری بدهم. حکایت فوق حاصل گفتگوی کنسولمان با دوست مالک یک باغ چای در ایران (به زبان فارسی) بود که کنسول به انگلیسی برایم تعریف کرد.

باغ‌های چای ایران در حال حاضر فاقد ارزش تجاری هستند. اما نکته‌ای که در همان ابتدای ورودم برایم محرز شد؛ این بود که بخش جنوبی دریای کاسپین (بین دریا و کوه‌های البرز که شامل حاشیه شمالی جلگه بزرگ ایران می‌شود) منطقه‌ای است که کاملاً (چه از نظر جغرافیا چه اقلیم) مستعد کشت چای است.

گمان می‌کنم نظر مرا تصدیق کنید که در هیچ جای دیگر ایران به علت قلت بارندگی امکان کشت

۱) با توجه به بازنشستگی دکتر هوپ در سال ۱۹۱۱ میلادی و چاپ مقاله در سال ۱۹۱۴ مشخص نیست سفر وی دقیقاً در چه سالی انجام شده است. اگر قید زمانی خودش را (حدود ۱۰ سال پس از کشت چای در ایران) ملاک قرار دهیم؛ تاریخ این بازدید سال ۱۹۱۰ یا ۱۹۱۱ میلادی است.

چای وجود ندارد. بنابراین در زمان توقفم در این جا در مورد ویژگی های طبیعی این ناحیه تحقیق کردم. گرچه به زحمت افتادم اما به دانش من بسی افزوده گشت. اجازه دهید پیش از پرداختن به شرایط کشت چای و چای سازی در این بخش از ایران، مختصری درباره وضعیت کلی منطقه توضیح دهم.

ایران کشوری عمدتاً کوهستانی است و مرکز آن را یک فلات بزرگ و مرتفع تشکیل می دهد. اراضی پست ایران در واقع نواحی نزدیک سواحل و جزئی از استان های پوشیده از جنگل در کناره دریای کاسپین در شمال و کرانه های خلیج فارس در نزدیکی شهر بصره و جاهای دیگر در جنوب هستند. در ناحیه شمال ایران، صخره های فلات مرتفع مرکز کشور به سمت چینه هایی که یک مسیر منحنی را در بخش جنوبی دریای کاسپین تشکیل می دهند؛ رفته اند که همان کوه های البرز هستند. این کوه ها از مجموعه ای از انواع صخره های کهن تر همچون سنگ دگرگونه^۱، گرانیت^۲، شیست های بلورین^۳، سنگ آهک^۴ و مانند آن ها تشکیل شده اند. در این کوه ها، آتشفشان های جدیدی نیز پیدا می شوند. بخش های شمالی این کوه ها و پشت سر آن، جنوب کاسپین به سمت دریا، بیش از ۲۰ تا ۴۰ مایل پهنا ندارد. البته در قسمت جنوب به غرب کاسپین پهنای بیش تری پیدا کرده و از این حوزه آبریز تا دجله و فرات و دریاچه وان پهنایش به ۲۵۰ مایل می رسد. حوزه آبریز کاسپین در سمت شرق نیز به تدریج وسیع تر می شود. سه رودخانه ای که در معرفی حوزه آبریز کاسپین اساساً به ایران تعلق دارند عبارتند از سفیدرود^۵ یا قزل اوزن^۶ در مسیر جنوب به غرب و گرگان و اترک^۷ در گوشه جنوب به شرق.

سفید رود برای رسیدن به کاسپین ۴۷ مایل را در شرق رشت می پیماید و فاصله آن از جایی که کوه های البرز را می شکافد تا جایی که به دریا می ریزد ۷۰ مایل است. در مسیری که از رشت به لاهیجان می آید تا یک باغ چای را ببینیم از کنار این رودخانه گذشتم. نگاهی به نقشه ضمیمه، وضعیت

-
۱. gneiss
 ۲. granite
 ۳. crystalline schists
 ۴. limestone
 ۵. Sefid Rud
 ۶. Kizil Uzain
 ۷. Atrak

اراضی بین کوه‌های البرز و دریای کاسپین و رودخانه‌های فوق و موقعیت باغ‌های چای را نشان می‌دهد. این ناحیه شامل استان‌های (الف) استرآباد و گرگان، (ب) مازندران و (ج) گیلان و تالش می‌گردد. این سه استان، اقلیمی کاملاً متفاوت با اقلیم حاکم بر سرزمین ایران دارند. اقلیم این منطقه به تنهایی گویای ماهیت کشاورزی و مجموعه جانوری و گیاهان زیست‌کننده در این استان‌ها است. این سه استان یکی از پنج منطقه خاص جانوری ایران را تشکیل می‌دهند.

بلان فورد^۱ در استان‌های کاسپین، مجموعه جانوری‌ای^۲ از کل ناحیه دیرین شمالگانی^۳ یافت که اکثر جانوران موجود در آن همانند جانوران جنوب تا شرق اروپا هستند. هر چند برخی از آن‌ها بومی این ناحیه هستند و به دلیل وجود جانوران شرقی خاصی (مانند ببر) که در دیگر بخش‌های ایران پیدا نشده‌اند؛ ویژگی منحصر به فردی دارند. ببر فقط در استان‌های کناره کاسپین پیدا می‌شود و مشاهده این حیوان در نزدیکی استرآباد امری عادی است. همین طور یک آهوی^۴ جالب توجه که از گروه آهوان هند و مالایایی است.

در استان‌های گیلان و مازندران و استرآباد از کرانه‌های کاسپین تا ارتفاع حدود ۳۰۰۰ پایی^۵ در شیب‌های شمالی، در سلسله کوه‌های بزرگی که این استان‌ها را از بقیه ایران جدا می‌کند؛ پوشش گیاهی شبیه به پوشش مدیترانه‌ای است.

مازندران، گیلان و استرآباد از مهم‌ترین مناطق کشت برنج در ایران هستند و تولید این محصول آن قدر هست که صادر شود. زیتون در نزدیکی رشت و انواع پرتقال در مازندران به وفور یافت می‌شود. از سال ۱۸۷۵ م. یک نوع توتون^۶ در نزدیکی رشت کشت می‌شود و گویا رونق فوق‌العاده‌ای دارد. پنبه نیز در مجاورت شهر رشت کشت شده است. گیاه شاه‌دانه^۷ مرغوبی در مازندران به صورت وحشی

۱ ویلیام توماس بلانفورد (W. T. Blanford) طبیعت‌شناس انگلیسی که مشهورترین اثر وی مجموعه جانوران هند انگلیس

(The Fauna of British India) است. او در سال ۱۹۰۵ میلادی درگذشت.

Fauna ۲

Paleartic ۳

Deer ۴

۵ پا (Foot) واحدی برابر ۳۰،۴۸ سانتی متر است.

۶ با نام علمی *Nicotiana rustica*

Hemp ۷

رویش می‌کند. کرچک، کنجد و کتان که در تولید روغن اهمیت دارند نیز در گیلان و مازندران وجود دارد. شراب را از انگورهای وحشی تهیه می‌کنند.

جنگل درختان الواری در گیلان و مازندران، شمشادهای با ارزشی دارد. صادرات الوار شامل شمشاد در برخی سال‌ها به ۵۰۰۰۰ پوند رسیده است. انحصار این صادرات به شرکت‌های اروپایی واگذار شده است. صادرات چوب عمدتاً شامل شمشاد و بلوط همچنین توسکا، زبان گنجشک، راش، نارون، ممرز، سرو کوهی، افرا، گردو، صنوبر و از این قبیل است. برخی مواقع درختان جنگلی را می‌سوزانند تا زمین را برای کشت برنج مورد استفاده قرار دهند. منظره جنگل در تپه‌های کم ارتفاع واقع در شیب‌های کوه‌های البرز از دور مانند مراتع واقع در دامنه تپه‌های ناگا^۱ در آسام^۲ است.

بارش در حوزه آبریز کاسپین از سایر نقاط ایران بسیار بیش‌تر است. در استرآباد و آشوراده در گوشه جنوب به شرق، مقدار بارندگی حدود ۵۰ درصد از سرتاسر فلات ایران بیش‌تر است. در رشت و لنکران (که در منطقه قفقاز روسیه قرار دارد) ۴ تا ۵ برابر منطقه همجوار در آن سوی مرز جنوبی این ناحیه است. بارندگی سالانه در رشت به عدد بی‌سابقه حدود ۵۶ اینچ می‌رسد. در حالی که در تهران که آن طرف ناحیه جنوبی آبریز کاسپین با فاصله ۱۵۰ مایلی از آن قرار دارد؛ ۹٫۸۶ اینچ و در جاسک در خلیج فارس فقط ۳٫۲۴ اینچ است. از حوزه آبریز کاسپین و حوزه دریاچه ارومیه و تا حدودی بخشی از شمال خوزستان و شمال محمره^۳ بگذریم؛ شاید ایران در هیچ بخش خود بارندگی بیش‌تر از ۱۳ تا ۱۴ اینچ در در سال نداشته باشد و بارندگی در سراسر بخش وسیع مرکزی و جنوب شرقی ایران از ۶ اینچ فراتر نرود.

جدول زیر، بارندگی و ارتفاع از سطح دریای چند نقطه در استان‌های کاسپین و بخش‌های دیگر ایران را نشان می‌دهد.

منطقه	ارتفاع از سطح دریا (بر حسب پا)	بارندگی (بر حسب اینچ)
لنکران	-۶۰	۴۶٫۸۲
رشت	-۵۰	۵۶٫۴۵
آشوراده	-۸۰	۱۷٫۱۷

۱ Naga

۲ Assam

۳ Mohammerah خرمشهر امروز

استرآباد	-۴۰	۱۶,۲۸
ارومیه	۶۲۲۵	۲۱,۵۰
تهران	۳۸۱۰	۹,۸۶
بوشهر	۱۳,۲۶
اصفهان	۵۳۷۰	۵,۴۴

هوا در امتداد سواحل کاسپین به ویژه در گیلان و مازندران همین طور در امتداد خلیج فارس از شط العرب به سمت بندرعباس در بیشتر سال بسیار مرطوب است و گاه دماسنج دارای دو لوله خشک و تر، دمای یکسانی را نشان می دهند که حکایت از اشباع رطوبت هوا است. شبانگاه، شبنم فراوانی می-بارد. اما در گیلان و مازندران هوا تا ارتفاع ۳۰ تا ۴۰ مایلی از سطح دریا رطوبت قابل ملاحظه ای دارد. اما در سواحل خلیج فارس که پوشش گیاهی خیلی کمتر است در جاهایی که فقط چند مایل از ساحل فاصله و بیش از ۲۰ تا ۳۰ پا از سطح دریا ارتفاع ندارند؛ اقلیم نسبتاً خشکی حاکم است. در ماه های دسامبر^۱ و ژانویه، باد گرم و خشکی از کوه های پوشیده از برف البرز به گیلان می وزد. درست مانند باد گرمی^۲ که در کوه های آلپ که عامل ایجاد هر دو، جنبش دوره ای هوا از یک سمت دامنه کوه ها به سمت دیگر به سبب اختلاف فشار است. باران بیش تر زمستان ها می بارد. آمار دما را به سختی می توان یافت. گهگاه یخبندان هایی به وقوع می پیوندد. البته بسیار به ندرت. کمترین دمایی که تاکنون ثبت شده ۲۵ درجه فارنهایت (حدود منفی ۴ درجه سانتی گراد) است. برف هم ندرتاً می بارد. در زمستان با این که در بخش شمالی کاسپین ممکن است یخبندان شود اما اقلیم سواحل بخش ایرانی این دریا تا حد زیادی مانند جزایر مادیرا^۳ است. مه صبحگاهی اغلب مشاهده می شود. اقلیم این بخش در بیشتر سال گرم، مرطوب و ناخوشی آور^۴ است. هوا تقریباً اشباع از آب است. هر چند در اواسط تابستان یک دوره خشکی وجود دارد اما زمانش آن قدر طولانی نیست که آسیب جدی به رشد گیاهان چای بزند. اگر چه در این مدت چای به طور موقت از باردهی می ایستد. خاک ناحیه بین کوه های البرز و دریا عموماً رسی است اما خاک اراضی نسبتاً مرتفع تر داخلی نزدیک

۱ برابر با آذر و دی ماه

۲ باد فون (Foehn wind) یا گرم باد، بادی است که با دمای زیاد در کوه از نقاط مرتفع به سمت پایین می وزد.

۳ جزایر مادیرا (Madeira) متعلق به کشور پرتغال و دارای آب و هوای همیشه بهاری است.

۴ Unhealthy

کوه‌های البرز، لومی سرخ است. در این ساحل سرخ دو باغ چای کوچک (اگر بیشتر نباشد) وجود دارد. سه منطقه‌ای که حسب اطلاعاتم چای‌کاری دارند عبارتند از فومن، لاهیجان و لنگرود در استان گیلان. یک باغ کوچک چای را نیز در روستای اباتر^۱ در نزدیکی فومن و باغ چای دیگری را در لاهیجان دیدم. خاک هر دو باغ از نوع لومی سرخ بود. از لنگرود که نسبتاً به دریا نزدیک‌تر است؛ بازدید نکردم و در مورد خاکش نمی‌توانم اظهار نظر کنم. به نظرم خاک باغ‌های فومن و لاهیجان خیلی مناسب کشت چای است. در جدول زیر، نتیجه تجزیه مکانیکی نمونه‌های خاکی که در زمان بازدیدم گرفتم؛ ارائه شده است.

اجزای خاک	خاک فومن (درصد)	خاک لاهیجان (درصد)
رطوبت	۱,۸۸	۱,۹۰
ماده آلی	۶,۳۲	۷,۲۴
محلول در اسید	۱,۱۱	۱,۰۴
ماسه درشت	۲,۱۸	۸,۰۶
ماسه ریز	۱۸,۱۴	۱۱,۸۶
سیلت	۵۰,۵۲	۴۵,۵۵
سیلت ریز	۷,۵۶	۱۰,۵۰
رس	۱۸,۶۱	۲۱,۰۹

بافت این خاک‌ها خیلی متفاوت با بافت خاک اراضی چای شمال شرقی هند است. نکته قابل توجه در سیمای خاک این مناطق، مقدار اندک سیلت ریز و مقدار زیاد سیلت در مجموع است. در باغ‌های چای شمال شرقی هند نمونه‌ای مشابه که دارای سیلت زیاد باشد؛ ندیده‌ام. تنها نمونه یک خاک که هال^۲ در کتابش در زمینه خاک‌ها به عنوان یک خاک زیر سطحی لومی سبک که دارای ترکیب زیر است تعریف کرده است؛ تقریباً مشابه آن است.

۱. در متن اصلی Abata نوشته شده که به نظر می‌رسد مقصود اباتر باشد. روستای اباتر متعلق به کاشف السلطنه بود که پس از وی به پسرش قهرمان میرزا رسید و او نیز در سال ۱۳۴۹ این روستا را به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی واگذار کرد. (کتابخانه ملی، سند شماره ۳۲۰/۲۳۲۹۰، ۱ برگ)

۲. Silt نوعی خاک که اندازه ذراتش از رس بزرگ‌تر اما از شن و ماسه کوچک‌تر است

مقدار (درصد)	اجزای خاک
۲۹٫۴	ماسه
۴۰٫۸	سیلت
۵٫۷	سیلت ریز
۱۶٫۴	رس

منبع: Hall, ۱۹۰۳

هرچند خاک اخیر به دلیل وجود درصد بالاتر ماسه درشت، نسبتاً سبک تر است. هیچ کدام از خاک باغ‌های چای شمال شرقی هند که به همین طریق بررسی کرده‌ام چنین خصوصیتی نداشتند. از نکاتی که گفتم کاملاً مشخص است استان‌های کاسپین در ایران دارای اقلیم، موقعیت و خاک مناسب چای‌کاری هستند. با بررسی این منطقه می‌توانم بگوییم به علت دمای نسبتاً پایین، نیابستی انتظار محصول زیاد از باغ‌های چای داشت. اما شب‌های خنک این ناحیه، خصم جدی تولید محصول مرغوب (همانند آن چه در جاوه و برخی کشورها که مانند هند دارای شب‌های گرم در تابستان هستند به دست می‌آید) نیست. چنین شب‌های خنکی در این کشورهای چای خیز وجود ندارد. بسیار محتمل است چنانچه بوته‌های چای از انواع مرغوب‌تر باشند و عملیات، کشت، هرس و برداشت به درستی انجام شود؛ می‌توان انتظار تولید محصولی با کیفیت مطلوب را داشت. بی‌شک آب‌وهوای سرد این ناحیه تأثیر سودمندی بر کیفیت چای دارد.

نیروی کارگری قطعاً از عوامل محدود کننده توسعه صنعت چای در این منطقه است. اندک اطلاعاتی که در این زمینه توانستم جمع کنم مربوط به معدود باغاتی است که در حال حاضر موجود هستند. این استان‌ها، ثروتمندترین استان‌های ایران هستند و حتی فقیرترین ساکنانش آن قدر تمکن دارند که ترجیح می‌دهند به جای نوکری و کارگری برای دیگران، در زمین خودشان کار کنند.

پیش‌تر گفتم که باغات موجود چای فعلاً اهمیت اقتصادی ندارند. بوته‌ها از انواع نامرغوب و کوچک هستند. همچنین تعدادشان در مزرعه کم است و روش باغداری (اگر بتوان این اصطلاح را به کار برد) اعم از هرس و برداشت بسیار ساده و ابتدایی است. در ادامه، توصیفی از باغی که نزدیک لاهیجان دیدم و فعالیت‌های صورت گرفته در آن ارائه می‌کنم. برخی اطلاعات را از مالک آن و چند ملک کوچک دیگر به دست آوردم.

دانه چای را در پاییز تا اواسط ماه نوامبر^۱ می‌کارند و در نهالستان نگه می‌دارند تا دو ساله شوند و ارتفاع‌شان به حدود یک چهارم ذرع^۲ برسد. این نهال‌ها را در بهار یا پاییز در زمین اصلی می‌کارند. برداشت برگ‌های چای تا زمانی که چهار ساله نشده‌اند انجام نمی‌شود. اما زمین را برای از بین بردن علف‌های هرز شخم می‌زنند. وقتی نهال‌ها چهار ساله شدند؛ برداشت منظم در ماه‌های تابستان انجام می‌شود. برگ برداشت شده در بهار کیفیت بالاتری از اواخر این فصل دارد. اگر در تابستان خشکی به وقوع پیوندد؛ جوانه‌زنی بوته‌ها متوقف می‌شود.

برداشت چای در فواصل زمانی ۱۰ روزه انجام می‌شود. هرس بوته‌ها^۳ به کمک قیچی در پاییز انجام می‌شود. در مدتی که در گیلان بودم هیچ بیماری گیاهی در بوته‌ها ندیدم. اما به من گفتند نهال‌ها به دلیل زیادی رطوبت خاک از بین می‌روند.

کج بیل زدن خاک باغ چای هر ۱۰ روز یک بار هم زمان با برداشت انجام می‌شود. ابزارهای مورد استفاده در کشت عبارتند از وسیله‌ای به نام بیل^۴ که برای کندن خاک است و چپر^۵ که بیلچه‌ای است با یک میله آهنی که با فشار پا روی آن می‌توان خاک را عمیق‌تر کند. این وسیله، یک نوع بیل خاص ایرانی است.

در یک جریب^۶ باغ چای دو نفر کار می‌کنند. در لاهیجان باغ چای بزرگ‌تر از ۵ جریب وجود ندارد و وسعت کل باغ‌های چای لاهیجان و لنگرود به ۲۰ جریب نمی‌رسد. در باغ‌هایی که دیدم، بوته‌ها را به صورت مربعی با فاصله یک ذرع^۷ از یکدیگر کاشته بودند.

روش تهیه چای نیز بسیار ابتدایی است. برگ‌ها را بعد از برداشت به مدت حدود ۱۵ ساعت در جایی می‌گذارند تا رطوبت آن‌ها کاهش یابد و پلاسیده گردند. سپس با نیروی دست برگ‌ها را مالش می‌دهند و در یک جعبه چوبی که شباهت زیادی به خشک‌کن‌های شرکت سیروکو^۸ دارد خشک

۱ برابر با ۱۰ آبان تا ۱۰ آذر

۲ هر ذرع برابر ۴۰٫۹۵ اینچ است.

۳ با توجه به اهمیت کیفیت برگ چای در چای‌سازی لازم است ارتفاع گیاه در حد معینی حفظ شود. برای این مقصود و تحریک گیاه به برگ‌زایی با ابزار گوناگون اقدام به بریدن شاخه‌های این گیاه می‌نمایند.

۴ Bil

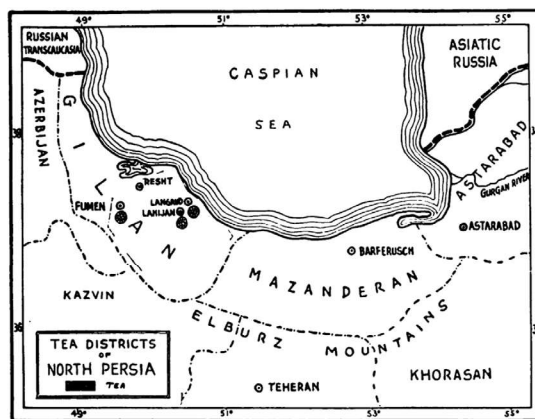
۵ Japar

۶ معادل ۱۰۰۰۰ ذرع مربع

۷ Sirocco نام یک شرکت سازنده ماشین‌آلات تولید چای که یک مهندس انگلیسی به نام ساموئل دیویدسون آن را در بلفاست در سال ۱۸۷۴ میلادی پایه‌ریزی کرد.

می‌کنند. این جعبه دارای چهار طبقه است که از چوب می‌سازند و کف هر طبقه با یک پارچه چیت نازک پوشیده شده است. برای خشک کردن چای در این محفظه از آتش زغال کمک می‌گیرند و طبق گفته اهالی، خشک کردن چای یک ساعت تا یک ساعت و نیم به طول می‌انجامد. نیروی کار در این باغ‌های کوچک، افراد محلی هستند. و در این زمینه دو شیوه وجود دارد: کارگری آزاد و کارگری قراردادی. به کارگر آزاد روزی حدود یک قران^۱ دستمزد می‌دهند اما موقع کشت برنج، پیدا کردن کارگر برای باغ‌های چای دشوار می‌شود که در جاهای دیگر امری عجیب نیست. کارگر قراردادی شامل روستائینی است که در همسایگی زندگی می‌کنند. به آن‌ها سالانه رقم مشخصی به تومان می‌پردازند و مقداری برنج رایگان می‌دهند. علاوه بر این، کردهای ایلیاتی از خلخال (محلی بین گیلان و تبریز) در زمستان به گیلان می‌آیند و کار می‌کنند. به آن‌ها روزی یک قران دستمزد و شش من شاهی^۲ برنج در ماه می‌دهند. هرگاه کارگر از این قسم پیدا نشد؛ مشوق‌های خاصی در قالب افزایش دستمزد تا یک و نیم قران در روز پیشنهاد می‌کنند.

پیوست



کتابشناسی

اسناد اصلاحات ارضی در روستای اباتر صومعه سرا. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند به شماره:

۱. هر قران معادل ۴٫۷۵ پنی

۲. هر من شاهی معادل ۱۳ پوند

۳۲۰/۲۳۲۹۰. یک برگ.

Fauna of British Indi including Ceylon and Burma. London, Taylor .(۱۸۴۷) W. T. Blanford
& Francis

The Soil; an Introduction to the Scientific Study of the Growth of Crops. .(۱۹۰۳) .Hall. A. D
.London

The Cultivation Of Tea In The Caspian Provinces Of Persia

Abstract

In the spring of 1901 Mohammad Mirza Kashif Al-Saltaneh established the first tea garden in the village of Sheikhanvar in Lahijan. Regarding his activity for tea cultivation and basically the reason for trying to cultivate this product in Iran instead of relying on imports (due to the fact that this plant is alien and non-native) no comprehensive research has been done and most researchers focus more on expanding tea consumption in the society of Iran. Although Kashif al-Saltaneh did not succeed much in the development of tea cultivation. In this context, reasons are mentioned which are mostly unsubstantiated including people in Gilan who refused to cooperate with him and tried to prevent the development of tea cultivation, or the British government, which saw its interests in danger with tea cultivation in Iran prevented him through its agents.

This article, which is the result of an Englishman's visit to the northern regions clearly negates these views. The date of his visit to Gilan was about 10 years after the construction of Iran's first tea garden. He left for this trip while he intended to visit the tea plantations in Georgia and was unaware of tea cultivation in Iran. In his writing, he has provided interesting information about the geographical features and climate of the northern provinces and the state of tea cultivation before the start of World War I in which one can understand some reasons for the lack of expansion of tea cultivation in this period.

Keywords:

Tea, Lahijan, Iran, agriculture